

## استقلال برده گان در افغانستان !



پیوسته گذشته قسمت یکصد و چهل دوم :

میاد با سعادت انقلابی اصلاح کرتاریخ محمد مصطفی به همه آزاده گان عالم مبارکباد

میگویند آدم پر حرف و چرند گوئی چند ساعت پیهم در  
یک سالون سخنرانی میکرد در پایان خطاب به حاضران جلسه  
گفت ؛ ببخشید اگر زیاد حرف زدم ، یکی از حاضران در جواب  
گفت ، عیبی ندارد شما وقتی سخنرانی میکردید ما بر این  
میاندیشیدیم که تا چه زمانی باید این مزخرفات ترا بشنویم؟

بدون آنکه قصد اندکترین توهین به کسی بویژه به مردی از تبار جماعتی که این قلم با آن تعلق دارم داشته باشم با درد و دریغ فروان که محمد اشرف غنی رئیس " دولت وحدت ملی افغانستان !! " این مولود عجیب الخلقه ای که از دامن مشترک جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا و یان کوبیس نماینده سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغانستان بر زمین داغ افغانستان جنگ زده تولد داده شده و بدون شک حضور و سخنرانی های محمد اشرف غنی به مثابه فرزند این آب و خاک از مدتی است که موجب رسوائی خاص و عام گشته است . شگفت انگیز و در عین حال سخت درد آور است که وقتی از آسمان آتش فقاو بیچاره گی و از زمین فریاد و ناله فرزندان همین آب و خاک می جوشد

<https://www.youtube.com/watch?v=7ftk1HPAOWI>

و از هرسو فقرو اعتیاد ، به مثابه بزرگترین و دردناک ترین فاجعه در تاریخ چند هزار ساله افغانستان نسل فقیر و بی دست و پای معاصر افغانستان را همچون هفتاد و دو تن در کربلای افغانستان محاصره نموده است حضرت محمد اشرف غنی در مغائرت به شعارهای روزهای نخست زمامداری اش نه تنها اثری از حیات و زندگی دیده نه میشود بلکه می بینیم که فرزندان این مرزوبوم برای زنده ماندن چه تحقیر ها و ذلت های را تحمل نه میکنند ؟ اما خوب است یکبار دیگر توجه جلالتمآب اشرف خان غنی را به آن شعار ها ی بی مصرف جلب کنیم که وی در نخستین روزهای زمامداری اش با شاخی باد میکردند .

<https://www.youtube.com/watch?v=Uq6taVYBNfM>

ماسوا از این برای چندمین بار است که هموطن عزیز ما اشرف خان غنی احمدزی که وی نیز از قربانیان استعمار جدید پنداشته میشود دچار این تناقض گوئی ها میگردد . شاید همشهری گرامی ما اشرف خان کوچی مدیریت جامعه را نیز همچون برداشتی که نسبت به سیاست نزد عده ای از

روشنفکران وجود دارد تصور می فرمائید که میتواند با دروغ و ریا کاری قافله و رهبریی جامعه را به پیش برد ، اقلأ در عصر حاضر اشتباه می فرماید .

[https://www.youtube.com/watch?v=Hd\\_noll7W9s](https://www.youtube.com/watch?v=Hd_noll7W9s)

زیرا خوشبختانه ، هم مردم امروز آگاه تر و بیدارتر از آنند که با شیوه های ریاکارانه و حقکشی های مرسوم و توهمزأ ، فکری یا مؤسسه ای یا شخصیتی را در افکار عمومی مسخ کرد . اما اینرا هم میدانند وبا انتن های هوش و فکر خویش عمیقاً احساس میکنند که شما مأمورید و معذور ، در این راستا تهوع انگیز این است که هرکدام ما سرنوشت داستان سیزیف (۱) را پیدا کرده ایم اصالت مصرف ، نظام زندگی قسطی ! نظامی که در آن همیشه انسان از طول عمرش کم می آورد ، انسان اسیر نظام مصرفی مافیائی حاکم بر افغانستان همیشه برای تکافوی مصرف های گذشته اش ، آئنده اش را میفروشد . آئنده فروشی برای تأمین نیاز های که برمن وتو تحمیل کرده اند ، بی آنکه برای ما و ساکنان بی بضاعت جغرافیای افغانستان **قدرت خرید** بدهند .



یعنی عصری که درنظام زندگی مصرفی ، برده گان بصورت آزاد و با ژست و تفاخر براستقلال خواهی خود را به ارباب بیگانه میفروشد ، حتی با هزاران التماس و برای آنکه بیگانه بخرد و آنگاه منی که به دستگاه های مافیائی خودم را پیش فروشی میکنم ، چگونه میتوانم امکان رشد متنوع و آزاد خویشتن انسانی و شگفتن ارزشهای استقلال طلبانه و استعدادهای خویش را داشته باشم ؟ زیرا با توجه به این معادله خود را در فردای تاریخ برده و ذلیل مصرفهای پیشین خویش میباشم . یکی از شگفتی های نوع نظام مصرفی حاکم بر سرنوشت افغانستان این است که روشن فکر جامعه را که رسالت دارد تا مردم را در اوج فاجعه یاری و رهنمائی کند و باید در راستای ادای نقش روشنگرانه و متعهد ملی را در بستر عدالت انسانی ایفا نمایند به مثابه نخستین قربانی نشانه میگیرند . ودر چنین زمینه و زمانی و با توجه به چنین سرنوشتی ، که انسان روشن فکر را اسیر خود میسازد وبا چنین بینیش و دانشی میتوان به ماهیت "**قناعت و تقوی**" از جنس **وقایه** پی برد که این مفاهیم بویژه در شرائط کنونی تا کجا عمیق – انسانی و آزادی بخش است.؟ بویژه هنگامی که زندگی ومسئولیت یک روشن فکر،یک انسان متعهد راه عقیده ومردم مطرح است، "**قناعت و تقوی**" دیگر تنها یک فضیلت فردیی اخلاقی نیست بلکه ضامن پیروزی او ، انجام رسالت او وبیمه کننده و " انسان ماندن ، مقاومت کردن و نلغزیدن و به فروش نرفتن روشن فکران معاصر است . این را هم میدانیم که وقتی مصرف در یک جامعه عقب مانده وجنگزده ای همچون افغانستان با عصای شکسته شبه روشن فکران دلالت صفت به فرهنگ یک جامعه مبدل گردد صاحبان و مالکان شرکت های بزرگ اسلحه سازی که در جهان کنونی ملتها ی عقب مانده معاصر را با شیوه های استثماریی تسخیر میدارند به کارتأسیس دسته های از مخالفان مصنوعی می پردازند ، البته بدگمان ساختن توده های از مردم بر برخی از نهضت های شبه عدالت

خواهی در جوامع افغانی جزی از وظائفی و وظائفی روشنفکریی برخی از این دلالاتی که تنها شعار مرده باد وزنده باد با ذائقه تاریخی جوامع عقب مانده بحساب می آید .

<https://www.youtube.com/watch?v=YnlONDrIBqM>

نمونه های آن حضور معنا دار آقای انورالحق احدی داماد خانقاه طریقه قادریه شریف و آقای رنگین داد فر سینتا از روشنفکران مکتب فرا نکفورتی با ذائقه روشنفکریی چپ ماویستی در کنفرانس جنبش روشنائی و چشم انداز آن که معلوم و کاملاً هویدا بود آن جنبش برای نخستین بار با نگاه غیر عادلانه مؤلفه عدالت اقتصادی اظهار وجود نموده بود



وقتی با این نمائیش بازی ها متوصل میشود و بر ظواهر پیشرفت و ترقی ترکیز میکنند طبیعی است ماسوا از آنچه که آنها بصورت معلوم الحال در مسخ حقایق برآمده بودند چنین چهره های مافیائی کوبیدن آخرین میخ بر تابوت آن نهضت نیمه جان به حساب می آیند .



(۱) : سیزیف در اساطیر یونان بخاطر فاش کردن راز خدایگان محکوم شد تا تخته سنگی را به دوش گرفته و تا قله یک کوه حمل کند، اما همین که به قله می رسد، سنگ به پایین می غلتد و سیزیف باید دوباره این کار را انجام دهد..